

دریافت مستمری من غیر حق در نظام کیفری ایران

سامان دوست محمدی^۱

چکیده

هدف: دریافت من غیر حق از مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی با روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد. برخی از مرتکبان با توسل به وسایل متقلبانه و برخی دیگر با دروغ‌گویی و کتمان حقیقت موفق به دریافت مستمری می‌گردند. گروه اول شباهتی قریب به کلاه‌برداران دارند؛ اما کیفردهی آن‌ها بر اساس ماده ۹۷ ق.ت.ا یک عنوان مجرمانه خاص و مستقل خواهد بود. گروه دوم از شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا خارج و مشمول ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاه‌برداری خواهند شد. برای شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا بر دریافت من غیر حق مستمری، حتماً باید میان وسایل تقلبی استنادی مرتکب و نتیجه (یعنی برقراری مستمری)، رابطه علیت مؤثر باشد. برای شمول ماده ۲ قانون تشدید بر رفتار مرتکب نیز حتماً باید همانند جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت.ا فعلی از مرتکب سرزده باشد؛ از این رو، برقراری مستمری ناشی از سکوت و ترک فعل دریافت‌کننده فاقد وصف کیفری است. در خصوص رکن روانی نیز برای شمول مواد مذکور بر دریافت من غیر حق مستمری، افزون بر سوءنیت عام، وجود سوءنیت خاص نیز ضروری است. در این مقاله، دریافت مستمری من غیر حق و روش‌های آن از منظر حقوق کیفری تجزیه و تحلیل خواهد شد.

واژگان کلیدی: مستمری، ماده ۹۷ ق.ت.ا، کلاه‌برداری، تحصیل مال، طریق نامشروع.

سازمان تأمین اجتماعی در جایگاه یک نهاد عمومی غیردولتی مهم‌ترین نهاد بیمه‌گر در ایران محسوب می‌شود و منابع آن نیز بر اساس ماده ۲۸ ق.ت.ا. عموماً از محل وجوه حق بیمه‌های پرداختی (توسط بیمه‌شدگان، کارفرما و همچنین دولت) و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری این وجوه تأمین می‌شود.^۱ سازمان با مدیریت منابع مذکور، بیمه‌شدگان را از مزایای مندرج در قانون تأمین اجتماعی که شامل کمک‌های کوتاه‌مدت (حوادث و بیماری‌ها، بارداری، غرامت دستمزد، کمک ازدواج، کمک عائله‌مندی، کمک‌هزینه کفن و دفن، هزینه پروتز و اورتز و مقرری بیمه بیکاری) و کمک‌های بلندمدت (کمک‌های تعلق‌گیرنده به بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت) است بهره‌مند می‌سازد^۲ (نصیری، ۱۳۸۲: ۹۹). بهره‌مندی از مزایای مذکور به‌جز بحث حمایت‌های درمانی که شامل عموم بیمه‌شدگان می‌شود، نیازمند وجود برخی شرایط و ضوابط قانونی است. به این ترتیب، گاه افرادی که شرایط بهره‌مند شدن از حمایت‌های قانون تأمین اجتماعی را ندارند با نقض قوانین و مقررات، خود را واجد شرایط قلمداد می‌کنند و در نتیجه، به‌صورت من غیر حق از مزایای قانون تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌گردند. یکی از مهم‌ترین مزایای قانون تأمین اجتماعی برقراری مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی و بازماندگان است که با توجه به بلندمدت‌بودنشان، هزینه سنگینی نیز بر سازمان تحمیل می‌کنند. در این خصوص، افرادی که فاقد شرایط لازم هستند با توسل به دروغ و تزویر و رفتارهای متقلبانه، مانند طلاق‌های صوری، ارائه گواهی فوت جعلی، جعل آرا کمیته استانی و ارائه گواهی خلاف واقع طبیب، خود را واجد شرایط قلمداد می‌کنند یا افرادی که واجد شرایط بوده‌اند و پس از مدتی به هر دلیلی شرایط دریافت مستمری را از دست می‌دهند با عدم اعلام خود و با سکوت و ترک فعل همچنان به دریافت مستمری ادامه می‌دهند؛ مانند دختران مجردی که با ازدواج، شرایط دریافت مستمری بازماندگان را دست می‌دهند و ازدواج خود را به سازمان اعلام نمی‌کنند. قانون تأمین اجتماعی در بخش مقررات کیفری با یک سیاست کیفری نه‌چندان سخت‌گیرانه به مبارزه با سوءاستفاده‌کنندگان از منابع سازمان برخاسته است. در این مقاله، دریافت مستمری من غیر حق و روش‌های آن از منظر حقوق کیفری تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۱- ماده ۲۸: منابع درآمد سازمان به شرح زیر است:

الف) حق بیمه از اول مهرماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان ۲۸٪ مزد یا حقوق است که ۷٪ آن بر عهده بیمه‌شده و ۱۸٪ بر عهده کارفرما و ۳٪ به‌وسیله دولت تأمین خواهد شد.

ب) درآمد حاصل از وجوه و ذخائر و اموال سازمان.

ج) وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون.

د) کمک‌ها و هدایا.

۲- برای مطالعه تفصیلی درباره تعهدات بلندمدت سازمان تأمین اجتماعی ر.ک: «جزوه آشنایی با تعهدات بلندمدت سازمان، اداره کل فنی امور مستمری‌ها»، زمستان ۱۳۹۵، مندرج در سایت سازمان تأمین اجتماعی به نشانی: <https://tamin.ir>

◀ رکن قانونی جرم دریافت مستمری من غیر حق

در دعاوی مرتبط با دریافت مستمری من غیر حق، شخصی که مستحق دریافت مستمری نیست با تشبث به دروغ و رفتارهای محیلا نه و متقلبانه، خود را مستحق قلمداد می‌کند و بدین ترتیب، با فریب سازمان، من غیر حق از مستمری‌های گوناگون بهره‌مند می‌شود. در این دعاوی، رفتار فیزیکی مبتنی بر حیله و تقلب است و در نظام کیفری ایران، بردن مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه در دو قانون مختلف جرم‌انگاری شده است: اول، ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ که رکن قانونی کلاهبرداری را در نظام حقوقی کنونی تشکیل می‌دهد و دوم، ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی. پرسشی که مطرح است این که دریافت مستمری من غیر حق با توسل به حیله و فریب را باید کلاهبرداری دانست یا مشمول ماده ۹۷ ق.ت.ا؟

مطابق ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبان کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۴، «هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌های یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعی امیدوار نماید یا از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقعی بترساند یا اسم یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حواله‌ها یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آن‌ها تحصیل کند و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از ۱ تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود». با توجه به ماده مذکور و وجود عبارت «وسایل تقلبی دیگر» که مبین این موضوع است که مصادیق مذکور در ماده از باب تمثیل بوده است و حصری نمی‌باشد و در واقع، هر کس از راه حیله و تقلب و با توسل به وسایلی که عرفاً متقلبانه باشند مالی را از دیگری ببرد، مشمول ماده مذکور است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۶۶)، می‌توان گفت که دریافت مستمری من غیر حق با توسل به وسایل متقلبانه نیز می‌تواند مشمول عنوان کلاهبرداری قرار گیرد. بنابراین، فردی که با جعل اسناد سجلی یا اسناد مربوط به نکاح و طلاق، خود را واجد شرایط جهت دریافت مستمری بازماندگان قلمداد می‌کند و از این طریق، وجهی را من غیر حق از سازمان می‌برد، در شمول عنوان کلاهبردار بر وی نمی‌توان تردید کرد.

مسئله مهمی که باقی می‌ماند این است که در صورت پذیرش استدلال فوق، جایگاه ماده ۹۷ ق.ت.ا در نظام کیفری ایران چیست؟ آیا به دلیل تأخر تصویب ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری نسبت به ماده ۹۷ ق.ت.ا را باید با ابتدائی بر قواعد عام اصولی، ماده اخیرالذکر را نسخ‌شده دانست و هر بردن مالی که با توسل به وسایل متقلبانه باشد را کلاهبرداری دانست یا باید ماده اخیرالذکر را دارای حیات دانست و آن را در خصوص دریافت‌های من غیر حق از مزایای تأمین اجتماعی دارای حکومت محسوب کرد. در این خصوص، برخی معتقدند ماهیت حقوقی جرم موضوع

ماده ۹۷ ق.ت.ا را می‌توان به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری خاص در برابر برخی از تخلفات و جرائمی که نسبت به نظام تأمین اجتماعی واقع می‌شود در نظر گرفت. درحقیقت، مقنن با وضع ماده ۹۷ تمامی شرایطی را که ممکن است به‌موجب مقررات کیفری، از جمله مقررات راجع به جرم کلاه‌برداری یا استفاده از سند مجعول یا گواهی خلاف واقع و... عناوین خاص مجرمانه داشته باشند، در قالب یک ماده قانونی بیان کرده است؛ به‌گونه‌ای که با وجود این عنوان مجرمانه، دیگر در این خصوص مراجعه به دیگر مقررات جزایی ممکن نیست (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲۴). بدین ترتیب، ماده ۹۷ ق.ت.ا را معتبر و در مقام کیفردهی نیز آن را تعدد مشمول عنوان خاص مجرمانه دانسته‌اند؛ لذا مطابق این دیدگاه، شخصی که با جعل سند، اقدام به دریافت من غیر حق مستمری نماید، صرفاً به مجازات مندرج در ماده ۹۷ ق.ت.ا محکوم می‌شود و مجازات جداگانه‌ای بابت جعل سند برای وی در نظر گرفته نخواهد شد.

در این خصوص به اعتقاد ما، هرچند تفسیر مذکور به نفع متهم است؛ اما با توجه به این که در جرائم مرتبط، جرم مقدمه، جرم مستقلی است که کلیه ارکان آن (قانونی، مادی و روانی) محقق شده است و صرف مقدمه‌بودن بزه‌ی که مستقلاً جرم شناخته شده است برای بزه دیگر مانع اعمال مقررات تعدد نیست (حکم شماره ۲۹۹۳-۱۱/۲۱/۱۳۱۸ شعبه ۵ دیوان عالی کشور) و در حقوق کیفری نیز اصل بر عدم تداخل مجازات‌هاست و سیاست‌گذاران کیفری نیز با جرم‌انگاری جرائم مقدمه به‌دنبال پیشگیری از وقوع جرائم غایی بوده‌اند و تداخل جرائم مقدماتی و جرم غایی نقض غرض قانون‌گذار کیفری از جرم‌انگاری جرائم مانع است (قیاسی و یآوری، ۱۳۹۴: ۱۷۵)، می‌توان گفت که اصولاً، در جرائم مرتبط باید حکم به تعدد مجازات داد؛ مگر در تعددهای مشمول عنوان خاص مجرمانه و در مواردی که رابطه ملازمه بین جرم مقدمه و جرم غایی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که وقوع جرم مقدمه برای تحقق جرم غایی گریزناپذیر باشد (پیمانی، ۱۳۷۴: ۲۳)، مانند حمل مواد مخدر (مقدمه) به قصد قاچاق آن (مقصود اصلی بزه‌کار).

در تعددهای مشمول عنوان خاص مجرمانه که مورد استناد نویسندگان فوق‌الذکر قرار گرفته است و از آن با عنوان «جرم شامل» یاد می‌شود، صرفاً یک مجازات برای مجموع جرائم ارتكابی مرتکب تعیین می‌گردد؛ اما از آنجا که جرم شامل خلاف اصل عدم تداخل می‌باشد، صرفاً در صورت تصریح جرائم متعدد زیر یک عنوان مجرمانه، حکم به مجازات واحد داده خواهد شد که در خصوص ماده ۹۷ ق.ت.ا چنین تصریحی در مورد جرم جعل وجود ندارد. دیوان عالی کشور نیز در آراء گوناگونی کلاه‌برداری که با جعل سند واقع شده باشد را موجب تعدد دانسته است، از جمله رأی صادره از شعبه دوم به شماره ۱۳۹-۱۳۱۷/۱/۲۷-۱۳۱۷ که در این خصوص مقرر می‌دارد: «اگر به‌وسیله جعل سند یک کلاه‌برداری واقع شود، تحقق این نتیجه مانع جنبه جزایی جعل نیست؛ بلکه مورد از موارد تعدد جرم است.»

لذا هرچند ماده ۱ قانون تشدید ممکن است مشتمل بر جرائم متعددی باشد؛ ولی نمی‌توان آن را تعدد مشمول عنوان خاص مجرمانه دانست و هرگاه برای کلاهبرداری، شخص مرتکب جرم دیگری مانند جعل سند شده باشد، مورد از موارد تعدد خواهد بود. با توجه به شباهتی که ماده ۹۷ ق.ت.ا در رکن مادی با کلاهبرداری دارد، حکم مذکور در خصوص این ماده نیز حاکم است؛ لذا شخصی که با جعل سند اقدام به دریافت مستمری کند مرتکب تعدد مادی شده است. البته در اینجا استفاده از سند مجعول با بهره‌مندی من غیر حق از مزایای تأمین اجتماعی تعدد معنوی را تشکیل می‌دهد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۶۳).

برخی دیگر از نویسندگان، در خصوص اعتبار ماده ۹۷ ق.ت.ا این‌گونه نوشته‌اند: «عنوان مجرمانه ماده ۹۷ شباهت بسیار به کلاهبرداری دارد؛ لیکن در حکم کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ چراکه این امر مستلزم تصریح از سوی مقنن است». در خصوص ماده مذکور می‌توان گفت مقنن به جهت اهداف خاصی که دنبال می‌کرده، برخی موارد را که به‌رغم شباهت با کلاهبرداری در قالب مذکور نمی‌گنجد را تحت عناوین خاص مجرمانه مورد حکم قرار داده و از این امر دو هدف را دنبال می‌کرده است: (۱) رفع مشکل در خصوص عدم شمول حکم بر همه مصادیق؛ (۲) اعمال مجازات بیشتر یا کمتر در خصوص مرتکب این‌گونه اعمال.

ماده ۹۷ نیز از جمله مواردی است که جهت تأمین هدف اول وضع شده است. به عبارت دیگر، اگر می‌خواستیم همه مصادیق این ماده را منطبق با کلاهبرداری بدانیم، در عمل و در خصوص برخی مصادیق این امر میسر نمی‌شد؛ لذا به نظر می‌رسد مقنن جهت رفع این مشکل و به‌خاطر شمول حکم بر همه مصادیق اقدام به انشای نص صریحی کرده است تا بدین ترتیب به صیانت از اموال عمومی پرداخته باشد. ماده ۹۷ یکی از صور خاص کلاهبرداری است. ماده ۹۷ خاص و ماده ۱ قانون تشدید عام است و مطابق رأی وحدت رویه و نظر اکثریت اصولیین عام لاحق به‌وسیله خاص سابق تخصیص می‌خورد؛ از این‌رو، ماده ۹۷ نسخ نشده است» (مرادی و عرب، پاییز ۱۳۹۱: ۲۷۳). بدین ترتیب، هرچند ماده ۹۷ ق.ت.ا با استفاده از عبارت عام «وسایل تقلبی»، بهره‌مندی از مزایای قانون تأمین اجتماعی با توسل به هر وسیله‌ای که عرفاً متقلبانه باشد را مشمول ماده قرار داده است و این حکم دارای رابطه تطابق با ماده ۱ قانون تشدید است، اما عبارت «اسناد و گواهی خلاف واقع» مذکور در ماده ۹۷ ق.ت.ا وجه منفک این ماده با ماده ۱ قانون تشدید است؛ زیرا گواهی خلاف واقع جعل محسوب نمی‌گردد (عرب، ۱۳۹۱: ۱۸۵)؛ بلکه سندی اصیل است که صرفاً بیان‌کننده یک دروغ است و صرف دروغ‌گویی و دروغ‌نویسی در حقوق کیفری ایران نمی‌تواند وسیله متقلبانه تلقی شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۶۱).

بنابراین، بردن مال دیگری با توسل به گواهی خلاف واقع، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ ولی می‌تواند

مشمول ماده ۹۷ ق.ت.ا قرار گیرد. بدین ترتیب، از میان نسب اربعه، رابطه بین ماده ۹۷ ق.ت.ا و ماده ۱ قانون تشدید، عموم و خصوص من وجه است و ماده ۱ قانون تشدید ما را از ماده ۹۷ بی‌نیاز نمی‌کند. بنابراین، ماده ۹۷ را نمی‌توان کلاهبرداری یا نسخ‌شده توسط ماده ۱ قانون تشدید دانست.

در خصوص این که آیا ماده ۹۷ ق.ت.ا را می‌توان در حکم کلاهبرداری محسوب کرد یا نه، برخی بر این اعتقاد هستند که ماهیت عنوان مجرمانه پیش‌بینی شده در ماده ۹۷ متفاوت از کلاهبرداری است و جرم پیش‌بینی شده در این ماده با عنوان مجرمانه مجزا دارای شرایط و ضوابط خاص خود است. این تغایر و عدم سنخیت فی‌مابین مفاد ماده ۹۷ با سایر عناوین مجرمانه مقرر در قوانین جزایی به اندازه‌ای بوده است که نه تنها در متن ماده، عنوان مجرمانه مقرر در ماده را در حکم جرم دیگری نیاورده است؛ بلکه حتی مجازات تعیین شده برای جرم موضوع ماده نیز مستقلاً تعیین شده است. در حالی که اگر سنخیتی بین ماهیت جرم موضوع ماده ۹۷ با جرم کلاهبرداری وجود داشت، حداقل از لحاظ مجازات مقرر می‌توانست تابع مجازات جرم کلاهبرداری باشد؛ همچنان که ماده ۱۰۷ قانون ثبت اسناد و املاک کسانی را که به‌عنوان اجاره یا عمری یا رقبی و یا مباشرت و به‌طور کلی نسبت به ملکی امین محسوب شوند و به‌عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بدهند مستحق مجازات کلاهبرداری می‌داند. بنابراین، جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت.ا یک جرم خاص و مستقل با تمامی اوصاف و شرایط مخصوص به خود است (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲۴).

در این خصوص می‌توان گفت آنچه یک رفتار مجرمانه را در حکم یک عنوان مجرمانه قرار می‌دهد، شباهت‌هایی است که میان آن‌ها وجود دارد؛ هرچند تفاوت‌های موجود مانع این است که اعمال مذکور را ماهیتاً یکی بدانیم. حال در برخی موارد، مقنن با عباراتی چون «در حکم» و «به‌منزله» بر این شباهت تأکید می‌کند و کیفر عمل را نیز به آن عنوان حواله می‌دهد، مانند تقاضای ثبت ملک دیگری به نام خود که صریحاً کلاهبرداری محسوب گشته است؛ اما در برخی موارد نیز علی‌رغم وجود این شباهت، مجازات مستقلی برای عمل پیش‌بینی شده و تصریحی در خصوص این که عمل را در حکم یک عنوان مجرمانه دیگر بدانیم وجود ندارد. این‌گونه اعمال را نیز باید در حکم کلاهبرداری محسوب کرد، مانند معامله معارض، انتقال مال دیگری و تبانی در معاملات دولتی. در این موارد به دلیل وجود مجازات مستقل برای عناوین مذکور، مرتکب به مجازات کلاهبرداری محکوم نخواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). از این‌رو، می‌توان گفت ماده ۹۷ ق.ت.ا یکی از صور خاص کلاهبرداری است (مرادی و عرب، ۱۳۹۱: ۲۷۳) که دارای مجازات مستقل است و فردی که مرتکب اعمال مذکور در ماده ۹۷ ق.ت.ا شود، صرفاً به مجازات مندرج در آن ماده محکوم خواهد شد، نه مجازات کلاهبرداری.

موضوع مهم دیگر مواردی است که گاه افراد بدون توسل به وسایل متقلبانه و ارائه اسناد و گواهی‌های

خلاف واقع (آن چنان که در ماده ۹۷ ق.ت.ا ذکر شده است) و صرفاً با دروغ‌گویی و دروغ‌نویسی^۱ موفق به دریافت مستمری من غیر حق می‌گردند، مانند دختری که پس از ازدواج، شرایط مذکور در بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده^۲ را از دست می‌دهد و با مراجعه به سازمان تأمین اجتماعی وضعیت خود را فاقد شوهر اعلام می‌کند که قطعاً صدق عنوان کلاه‌برداری و یا ماده ۹۷ بر چنین عملی به دلیل فقدان توسل به وسایل تقلبی یا تشبث به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع ممکن نیست. لذا سؤالی که مطرح است این است که آیا در این موارد، فرد دروغ‌گو مرتکب جرمی شده است یا خیر؟ تنها عنوان مجرمانه‌ای که قابل اعمال بر عمل مذکور است «تحصیل مال از طریق نامشروع» است. مطابق ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین کلاه‌برداری «هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده است طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به‌طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد». با عنایت به ماده مذکور و به‌ویژه عبارت «یا به‌طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» می‌توان گفت که با توجه به عموم و اطلاق عبارت مذکور، دریافت مستمری من غیر حق با توسل به صرف دروغ مشمول ماده مذکور است. البته برخی معتقدند که قلمرو ماده ۲ قانون تشدید به لحاظ لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات که از آثار آن ممنوعیت استفاده از عناوین عام و مبهم جزایی است عام نمی‌باشد (باقرضادگان، ۱۳۹۷: ۱۱ همچنین فروتن و اکبری، ۱۳۹۷: ۱۳۴) و اطلاق شق پایانی ماده، توسط صدر ماده مقید می‌شود (شاکری و البوعلی، ۱۳۹۶: ۹۳). در پرونده‌ای شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان، بازماندگان فردی را که از سازمان مستمری‌بازنشستگی دریافت می‌نموده است و علی‌رغم فوت مورث، به بانک مراجعه می‌نمایند و با اعلام زنده‌بودن مورث و اعلام عدم توانایی وی جهت حضور در بانک، اقدام به دریافت مستمری وی می‌نموده‌اند را با این استدلال که «جرم تحصیل مال از طریق نامشروع ناظر به انواع تقلباتی است که نسبت به امتیازات دولتی به عمل می‌آید و لاغیر و توسعه مفهومی فراز اخیر آن از باب تفسیر موسع متن قانون ماهوی جزایی است؛ زیرا تفسیر موسع ماده مبحث‌عنه موجب می‌شود که جرم مذکور، نه‌تنها تمامی موارد داراشدن ناروای مال را دربرگیرد؛ بلکه به‌صرف

۱- لازم به ذکر است که اگر دروغ‌گویی و دروغ‌نویسی مؤید و موقت به تأییدات خارجی از قبیل تصدیق و تأیید شخص ثالث یا صحنه‌سازی یا اعمال مادی و یا اوراق و نوشته‌های دیگر باشد، وسیله متقلبانه محسوب می‌گردد (شامیاتی، ۱۳۷۵: ۱۷۳).

۲- بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده «فرزندانی که در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن بیست‌سالگی و بعد از آن، منحصرأ در صورتی که معلول از کار افتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک‌هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق و وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند».

این که سبب تملک به یکی از طرق مندرج در ماده ۱۴۰ ق.م.ن.ب. باشد، مشمول این ماده و واجد وصف مجرمانه گردد که ضعف و پیامدهای ناصواب آن مبرهن است... و متبادر از سیاق و الفاظ مندرج در ماده ۲ قانون تشدید و به قرینه وحدت ملاک متخذ از سیاق و اسلوب و عبارات مستعمل و مشابه از ناحیه مقنن در تنصیص و تقریر ماده ۱ قانون تشدید (قسمت دوم) و مواد ۳ و ۵ همان قانون، حکم کلی مندرج در ماده ۲ قانون تشدید را معطوف و محدود به حکم مقرر در صدر ماده و مشعر به تحصیل مال از طریق نامشروع به هر نحو از انحاء از امتیازات مفوض با شرایط خاص با فعل تقلبی است و به غیر آن تسری ندارد» تبرئه نموده است.

امتیاز تفسیر مذکور افزون بر جلوگیری از قربانی شدن اصل قانونی بودن، هم‌سویی آن با اصل تفسیر نصوص ماهوی کیفری به نفع متهم است. در مقابل، طرفداران اطلاق ماده مذکور به ادله‌ای چون صراحت ماده، نقض نشدن اصل قانونی بودن به دلیل اطلاق عبارات به کار برده شده توسط خود مقنن، پرشدن خلأهای قانونی، هم‌سویی با عدالت و حفظ منافع جامعه تأکید می‌کنند (شاکری و البوعلی، ۱۳۹۶: ۹ و ۱۰). بنابراین، اگر دیدگاه مخالفان عام‌بودن ماده ۲ قانون تشدید را بپذیریم، دریافت مستمری با توسل به دروغ، امکان ورود به قلمرو حقوق کیفری را از دست می‌دهد و سازمان تأمین اجتماعی چاره‌ای جز طرح دعوی حقوقی جهت استرداد وجوه دریافتی را ندارد. اما با پذیرش اطلاق ماده، چنین افرادی به جرم تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم خواهند شد. به عبارت دیگر، تحصیل مال از طریق نامشروع شامل هر نوع تحصیل مال یا وجه به‌طور غیرقانونی می‌شود که با عناوین جزایی شناخته‌شده دیگر هم‌پوشانی ندارد (باقرزادگان، امیر و محمد میرزایی، ۱۳۹۲: ۵).

به باور نگارنده، استدلال موافقان اطلاق ماده از قوام بیشتری برخوردار است؛ زیرا اولاً، صراحت خود ماده دلالت بر عمومیت آن دارد و کیفردهی بر اساس اطلاق ماده، خلاف اصل قانونی بودن نیست؛ ثانیاً، با استفاده از اطلاق ماده می‌توان از پدیده «بی‌کیفرمانی» کلیه افرادی که با سوءنیت موفق به کسب مالی می‌گردند که طریق تحصیل آن نامشروع است جلوگیری نمود و به این ترتیب، قدرت بازدارندگی نظام کیفری را افزایش داد؛ زیرا افرادی که با دروغ و تزویر موفق به دریافت مستمری می‌گردند، اگر بدانند که در صورت کشف قضیه در زرادخانه کیفری، مجازاتی برای آن‌ها وجود ندارد و صرفاً ملزم به استرداد وجوه هستند، بی‌هیچ ابایی رفتار مذکور را انجام خواهند داد؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که وضعیتشان در بدبینانه‌ترین حالت شبیه افراد مقترض است که ملزم به استرداد وجوه دریافتی هستند و همان‌گونه که در تئوری «حسابگری جنایی»^۱ جرمی بنام مطرح شده است، در این موارد که

۱- «حسابگری جنایی»: مطابق نظریه مذکور، بزهکار صرفاً زمانی دست به ارتکاب جرم می‌زند که منافع مورد انتظار وی از جرم بر هزینه‌های آن غلبه داشته باشد. به عبارتی، بزهکار کاملاً عقلانی عمل می‌کند و صرفاً پس از سنجش دقیق تمام هزینه‌ها و منافع جرم و چنانچه کفه منافع را سنگین‌تر ببیند، دست به ارتکاب جرم می‌زند. این نظریه امروزه تحت عنوان «تئوری عقلانیت مطلق بزهکاری» مطرح می‌شود (آشوری و صبوری پور، ۱۳۹۴: ۲) و مبنای نظریه انتخاب عقلانی را تشکیل می‌دهد. نظریه انتخاب عقلانی نظریه‌ای است که می‌گوید

فایده ارتکاب عمل بیشتر از هزینه آن است، احتمال وقوع رفتار مجرمانه بیشتر خواهد شد. بنابراین، بر اساس عبارات مذکور در خود ماده و همچنین لزوم رعایت نفع اجتماعی و حفظ بازدارندگی، می‌توان گفت دریافت توأم با سوءنیت مستمری من غیر حق مشمول ماده ۲ قانون تشدید است.^۱

بدین ترتیب و هم‌سو با این دیدگاه، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ اهواز، مورخ ۱۳۹۵/۲/۴، دختری را که پس از فوت پدر خود، به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه نموده بود و با کتمان اشتغال خود و گواهی این موضوع در اسناد مربوطه، موفق به دریافت مستمری بازماندگان شده بود (برخلاف بند پ قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت مستمری فرزندان اناث مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲) را به تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم کرده است. در پرونده‌ای دیگر نیز شعبه ۱۰۱۸ دادگاه کیفری ۲ مجتمع قضایی ولیعصر تهران، زنی را که با ارائه طلاق‌نامه و استشهادیه محلی مبنی بر عدم اشتغال خود موفق به دریافت مستمری بازماندگان شده بود هر ساله نیز با مراجعه حضوری به سازمان، به عدم اشتغال و ازدواج مجدد خود گواهی می‌داد را بر اساس ماده ۲ قانون تشدید محکوم کرده بود. البته آرای متهاافت بسیاری در این خصوص صادر شده و رویه قضایی منسجم و واحدی وجود ندارد و با یک سیاست جنایی قضایی سرگردان مواجه‌ایم که نیازمند ورود فوری هیئت عمومی دیوان عالی کشور و صدور رأی وحدت رویه در این خصوص است.

◀ رکن مادی جرم دریافت مستمری من غیر حق

همان‌گونه که در قسمت پیشین بیان شد، با توجه به این که دریافت مستمری من غیر حق با توسل به وسایل تقلبی و اسناد و گواهی‌های خلاف واقع، مشمول ماده ۹۷ ق.ت.ا می‌شود و بدون توسل به وسایل تقلبی و با صرف دروغ، مشمول ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری است، بر همین اساس، رکن مادی جرم مذکور بررسی می‌شود.

بند اول: رفتار فیزیکی

در بخش رفتار مادی فیزیکی، موضوعی که مطرح است این است که جرم مورد بحث از نظر مقنن با فعل واقع می‌شود یا ترک فعل. با عنایت به عبارات بکار برده شده در ماده ۹۷ ق.ت.ا از جمله «استناد کردن»، «استفاده کردن» و «توسل جستن» می‌توان گفت که رفتار فیزیکی جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت.ا همانند غالب جرائم دیگر به شکل فعل مثبت است (مرادی و عرب، ۱۳۹۱: ۲۷۵). بنابراین،

جامعه را می‌توان برحسب افعال منفعت‌جویانه افراد معقول آن شناخت؛ افراد وقتی بنا به مراتب ارزش‌ها و ترجیحات خود برای به حداکثر رساندن منفعت و به حداقل رساندن هزینه‌ها می‌کوشند، به نحوی عقلانی عمل می‌کنند (تونی فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۴۱).

۱- برای دیدن نظر موافق که صرف دروغ‌گویی که منجر به بردن مال دیگری می‌شود را تحصیل مال از طریق نامشروع می‌داند ر.ک: فرح‌بخش، مجتبی «تأملی بر رکن مادی کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع»، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۹۸.

ترک فعل (هرچند توأم با سوءنیت) نمی‌تواند موجب تحقق جرم دریافت مستمری من غیر حق شود. لذا دختری که به‌دلیل فوت پدر، مستمری بازماندگان دریافت می‌نموده است، اگر با ازدواج، استحقاق دریافت مستمری را دست بدهد؛ اما علی‌رغم این موضوع و بدون توجه به مقررات تأمین اجتماعی که مستمری‌بگیر را مکلف به اعلام تغییر وضعیت خود به سازمان نموده است، با سکوت و عدم اطلاع‌دهی به سازمان تأمین اجتماعی، همچنان به دریافت مستمری ادامه دهد، از شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا خارج است. در مواردی نیز که مستمری‌بگیر سازمان، با حضور در شعبه سازمان و با کتمان حقیقت، وضعیت خود را فاقد تغییر اعلام می‌کند؛ هرچند شرط ارتکاب فعل مثبت محقق شده است؛ اما به‌دلیل این‌که عمل مذکور صرف دروغ است، از شمول ماده ۹۷ خارج است. شعبه ۳ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب اهواز مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۷ در پرونده‌ای شخصی را که علی‌رغم فوت مورث خود که از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی بوده است، مراتب را به سازمان اعلام نکرده بود و بدین ترتیب، به گرفتن حقوق بازنشستگی مورث خود ادامه می‌دهد را به‌لحاظ این‌که رفتار مذکور فاقد عنوان مجرمانه و دارای ماهیت حقوق خصوصی محض است، به استناد اصل برائت، قرار منع تعقیب صادر کرده بود. در مواردی نیز که عمل مرتکب به‌دلیل عدم توسل به وسایل متقلبانه مشمول ماده ۲ قانون تشدید است، می‌توان گفت که صدر ماده با عباراتی چون «مرتکب شدن» و «سوءاستفاده کردن» دلالت بر فعل بودن رفتار فیزیکی دارد؛ اما شق پایانی ماده که مقرر می‌دارد «به‌طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» مبهم است؛ زیرا ترک فعل محیلانه و توأم با سوءنیت نیز یک طریق نامشروع محسوب می‌گردد؛ اما ظاهر عبارت مذکور به‌ویژه قید «تحصیل کردن» دلالت بر لزوم فعل بودن رفتار فیزیکی دارد. تفسیر به‌نفع متهم نیز مانع توسع نصوص ماهوی کیفری در موارد ابهام است. بنابراین، دریافت مستمری من غیر حق از طریق سکوت و ترک فعل از شمول مقررات کیفری خارج است.

بند دوم: شرایط و اوضاع و احوال جرم

مجموع شرایط که از نظر قانون‌گذار جهت تحقق جرم دریافت مستمری من غیر حق ضروری است با توجه به ماده ۹۷ ق.ت.ا شامل لزوم متقلبانه بودن رفتار مرتکب (با استفاده از عناوین و وسایل تقلبی یا اسناد و گواهی‌های خلاف واقع) و فریب‌خوردن سازمان است.

الف) متقلبانه بودن رفتار مرتکب

ماده ۹۷ ق.ت.ا با تأکید بر لزوم توسل مجرم به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع و عناوین و وسایل تقلبی بر لزوم متقلبانه بودن رفتار مرتکب تأکید کرده است؛ از این‌رو، جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت.ا جرمی مقید به وسیله است و طریق برده‌شدن مال سازمان در آن موضوعیت دارد. در این مبحث به توضیح هریک از موارد مذکور در ماده خواهیم پرداخت.

۱. عناوین و وسایل تقلبی

با توجه به اطلاق عبارت وسایل تقلبی در ماده ۹۷ ق.ت.ا می‌توان گفت که توسل به هر وسیله‌ای که عرفاً متقلبانه باشد می‌تواند موجب تحقق رکن مادی ماده مذکور شود. «وسيله» در ترکیب مذکور به معنای شیء و ابزار نیست؛ از این رو، قلمرو ماده را نمی‌توان به مواردی چون استفاده از سند مجعول محدود کرد. در واقع، مقصود از وسایل متقلبانه، عملیات و رفتارهای متقلبانه است. برخی وسایل تقلبی را با ارجاع به عرف چنین تعریف کرده‌اند: «عرفاً وسایل تقلبی شامل انواع مکر و حيله و خدعه و تقلب است» (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۳۴۱). وسایل متقلبانه جهت بردن مال دیگری متنوع است و قابل احصا نیست (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۶۶).

بنابراین، مواردی چون دریافت مستمری از طریق دروغ و با تبانی با شخص ثالثی که نزد مأمور سازمان اقدام به تأیید دروغ گو می‌نماید؛ تظاهر به معلولیت و ناتوانی جهت فریب کمیسیون پزشکی و دریافت مستمری از کارافتادگی؛ جعل آرای کمیته‌های استانی مشاغل سخت و زیان آور و بازنشسته‌شدن در مشاغل سخت و زیان آور؛ وقوع طلاق‌های صوری برای دریافت مستمری بازماندگان؛ تظاهر به گم‌شدن یا از بین رفتن شناسنامه و اقدام به دریافت شناسنامه المثنی برای از بین بردن موانع دریافت مستمری (مانند زنان متأهلی که با اخذ شناسنامه المثنی و پاک کردن نام همسر، خود را فاقد شوهر معرفی می‌نمایند و موفق به دریافت مستمری بازماندگان می‌گردند)، دست بردن در شناسنامه و تغییر سن خود (خواه با افزایش سن جهت واجد شرایط قلمداد کردن خود برای دریافت مستمری بازنشستگی یا کاهش سن مانند فرزندان ذکوری که بالای بیست سال سن دارند و با کشاندن سن خود به زیر بیست سال، خود را صلاحیت‌دار برای دریافت مستمری بازماندگان معرفی می‌نمایند) و زنی که علی‌رغم دریافت مستمری بازنشستگی از سازمان، پس از فوت همسر خود اقدام به دریافت متقلبانه دو مستمری (مستمری بازنشستگی و مستمری بازماندگان) به‌طور هم‌زمان می‌نماید^۱ را می‌توان از مصادیق وسایل تقلبی معرفی کرد.

البته برخی نویسندگان شیوه‌های متنوع و متداول تقلب در صنعت بیمه را این‌گونه تقسیم‌بندی کرده‌اند: الف) تقلب در بیمه‌های کارگری: کارگرانی که با صحنه‌سازی در حادثه‌ای صدمه می‌بینند

۱- سابقاً سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای ماده ۹۴ ق.ت.ا دو مستمری را به‌طور هم‌زمان قابل پرداخت نمی‌دانست؛ اما پس از تصویب قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بازنشستگی مصوب ۱۳۸۶ و به‌موجب بخشنامه شماره ۵۰ مستمری‌ها مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ رویه سازمان تغییر پیدا کرده است و در دو فرض زیر پرداخت دو مستمری به‌طور هم‌زمان را قابل پرداخت می‌داند: ۱. در صورت فوت پدر و مادری که هردو بیمه‌پرداز سازمان بوده‌اند، فرزندان آن‌ها می‌توانند از هر دو مستمری هم‌زمان استفاده نمایند؛ ۲. زنان مستمری‌بگیر بازنشسته یا از کارافتاده کلی مشمول قانون تأمین اجتماعی می‌توانند به‌عنوان همسر بیمه‌شده متوفی، مستمری بازماندگان شوهر متوفی خود را نیز دریافت نمایند (بادی‌نی، زمستان ۱۳۸۷: ۷۷). برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر.ک: ایزانلو، محسن «بررسی انتقادی مستمری بازماندگان در حقوق موضوعه ایران»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال نهم، شماره سی‌ام، پاییز ۱۳۸۶.

تا به‌ازای روزهایی که در محل کار حاضر نمی‌شوند، از شرکت بیمه خسارت دریافت کنند؛ ب) تقلب در بیمه‌های کارفرمایان: گزارش حقوق کارگران به میزان کمتر از حد معمول برای پرداخت حق بیمه کمتر؛ اعلام کارگران به‌عنوان پیمانکاران مستقل؛ اعلام عنوان شغلی اشتباه برای پرداخت کمتر حق بیمه؛ عدم پرداخت حق بیمه؛ تبانی کارفرمایان و واگذارنده‌های پیمانی؛ ج) تقلب در بیمه‌های درمانی: فرستادن صورت‌حساب‌هایی بیش از هزینه واقعی خدمات درمانی انجام‌شده به بیمه‌گذار توسط پزشک؛ ارائه خدمات درمانی و پاراکلینیکی، مانند جراحی و آزمایش، تصویربرداری‌های پزشکی غیرضروری با هدف دریافت مبالغ گزاف از شرکت‌های بیمه؛ د) تقلب در اجرای روند اخذ مفاصاحساب اتمام پروژه از سازمان تأمین اجتماعی (حسینی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۱۳) که به اعتقاد ما، نه جامع و نه مانع است.

در خصوص عناوین تقلبی نیز همان‌گونه که برخی از نویسندگان نوشته‌اند، مقصود از عنوان، تیتراژ دانشگاهی و هر نوع مقام دولتی و غیردولتی است، عناوین دوستی و خویشاوندی نیز مشمول همین حکم هستند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۷۰). برخی نیز عناوین تقلبی را به‌صورت «هرگونه عملیات و تظاهرات خارجی متقلبانه و خلاف واقع که هویت شخصی، شغلی و یا اجتماعی فرد متقلب را در نظر مخاطب مخفی و به غیر از هویت واقعی وی جلوه دهد» تعریف کرده‌اند (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲۹). در خصوص استفاده از عنوان تقلبی که منجر به دریافت مستمری من غیر حق شود می‌توان گفت، از آنجا که اتخاذ عنوان تقلبی بدون توسل به وسایل تقلبی صرف دروغ تلقی می‌گردد و با تحلیلی که در مبحث قبل ذکر شد دروغ به‌تنهایی نمی‌تواند موجب تحقق ماده ۹۷ ق.ت.ا شود و افراد متقلب در این خصوص، لزوماً با ارتکاب رفتارهای محیلانه، مانند سندسازی، موفق به فریب سازمان و بهره‌مندی از مزایای تأمین اجتماعی می‌گردند، عبارات عناوین تقلبی و وسایل تقلبی را باید به معنای رفتارها و عملیات متقلبانه تفسیر کرد. بنابراین، شخصی که برای باورپذیرکردن عنوان تقلبی اتخاذی خود به رفتارهای محیلانه‌ای، همچون دست‌بردن در اسناد یا تنظیم استشهادیه اقدام می‌کند در شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا بر وی تردیدی نیست. البته اگر به فرض بعید، فردی با توسل به‌عنوان تقلبی و بدون توسل به هرگونه رفتار متقلبانه دیگر موفق به فریب سازمان و نتیجتاً دریافت مستمری گردد، کیفردهی وی بر اساس ماده ۲ قانون تشدید کاملاً ممکن است. بر این اساس، پذیرش دیدگاهی که صرف استفاده از عنوان تقلبی را مشمول ماده ۹۷ ق.ت.ا می‌داند؛ مانند شخصی که خود را صاحب واقعی دفترچه درمانی معرفی می‌کند و به‌این‌ترتیب از خدمات درمانی سازمان استفاده می‌کند، یا فردی که با معرفی خود به‌عنوان یکی از فرزندان بیمه‌شده متوفی، بخواهد از مزایای مستمری بازماندگان استفاده نماید (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲۹) دشوار است.

۲. اسناد و گواهی‌های خلاف واقع

«اسناد» جمع سند است و «سند» نیز برابر ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی با عبارت «هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد» تعریف شده است. در ماده ۹۷ ق.ت.ا. بلافاصله بعد از کلمه اسناد، «گواهی‌ها» به کار برده شده است که با توجه به تعریف سند به نظر می‌رسد «گواهی» نیز که اصولاً نوشته‌ای است دالّ بر تأیید امری از سوی مقام صلاحیت‌دار، مترادف با سند بوده و بدین جهت مقنن دو عبارت مترادف را در کنار هم آورده است (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲۷).

صدور گواهی خلاف واقع به‌طور مستقل در قانون تعزیرات و در فصل پنجم زیر عنوان جعل و تزویر و در مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ و همچنین در ماده ۱۰۵ ق.ت.ا. جرم انگاری شده است؛ اما در هیچ‌یک از مواد مذکور، گواهی خلاف واقع تعریف نشده است. گواهی خلاف واقع را باید نوشته‌ای اصیل دانست که حامل اطلاعاتی کذب توسط صادرکننده آن است. بدین ترتیب، قید «نوشته» موجب خروج گواهی‌های شفاهی است و قید «اصیل‌بودن» نیز موجب جدایی گواهی خلاف واقع از اسناد مجعول است؛ بدین صورت که گواهی خلاف واقع، هیچ‌گونه دروغی را راجع به خود سند نمی‌گوید؛ بلکه صرفاً حامل اطلاعاتی دروغین از طرف صادرکننده آن است. به عبارتی، در گواهی خلاف واقع، خدشه‌ای در اصل تصدیق‌نامه صادره و حتی در استناد آن به اشخاص صادرکننده گواهی وجود ندارد؛ از این رو، گواهی خلاف واقع اساساً جعل (چه مادی و چه مفادی) محسوب نمی‌شود (عباسی، پاییز ۱۳۸۶: ۱۷۱ و ۱۸۵).

لازم به ذکر است که صدور گواهی خلاف واقع از طرف افرادی موجب تحقق عناوین جزایی می‌گردد که قانون گواهی‌های صادره از جانب آنان را معتبر و مؤثر شناخته باشد، مانند گواهی‌های صادره توسط پزشکان و مأمورین دولتی. ماده ۱۰۵ ق.ت.ا. در خصوص کیفی‌دهی صادرکنندگان گواهی‌های خلاف واقع، با عبارت «کلیه کسانی که گواهی آنان مجوز استفاده از مزایای مقرر در این قانون است...» بر این موضوع تأکید نموده است. سابقاً نیز ماده ۹۳ قانون بیمه‌های اجتماعی در این زمینه مقرر داشته بود «پزشکان، داروسازان و کلیه کسانی که گواهی آنان مجوز استفاده از کمک‌های مقرر در این قانون است...». به این ترتیب، هر گواهی خلاف واقعی نمی‌تواند مشمول مقررات کیفری قانون تأمین اجتماعی گردد؛ بلکه صرفاً گواهی‌هایی که از منظر مقررات تأمین اجتماعی بتواند منشأ اثر در سازمان باشد مشمول ماده است، مانند صدور گواهی خلاف واقع پزشکی جهت گرفتن تأییدیه در کمیسیون‌های پزشکی سازمان تأمین اجتماعی و بهره‌مندی از مستمری از کارافتادگی یا صدور گواهی خلاف واقع فوت توسط پزشک یا سازمان ثبت احوال جهت بهره‌مندی از مستمری بازماندگان. بنابراین، گواهی صادره توسط یک فرد عادی که از نظر قانون منشأ اثر نیست، نمی‌تواند موجب تحقق ماده ۹۷ گردد؛ مانند گواهی صادره توسط یک جراح محلی که فاقد هرگونه مجوزی جهت اشتغال

به حرفه پزشکی است. مقنن در ماده ۵۱۰ ق.ت.ا نیز اقدام به کیفرگذاری برای صادرکنندگان گواهی خلاف واقع کرده است. مطابق ماده مذکور «کلیه کسانی که گواهی آن‌ها مجوز استفاده از مزایای مقرر در این قانون می‌باشد، در صورت صدور گواهی خلاف واقع، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهند شد». بدین ترتیب، در حقوق تأمین اجتماعی، صادرکنندگان گواهی خلاف واقع به کیفر مقرر در ماده ۵۱۰ ق.ت.ا و استفاده‌کنندگان از این گواهی مشمول ماده ۹۷ ق.ت.ا خواهند شد.

ب) فریب خوردن سازمان

در خصوص این که آیا جهت تحقق جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت.ا فریب خوردن سازمان ضروری است یا نه، تصریحی در ماده مذکور وجود ندارد. برخی در این خصوص ماده مذکور را چنین تفسیر کرده‌اند که «هرچند عملاً اکثر مصادیق جرم موضوع ماده ۹۷ دقیقاً منطبق بر کلاهبرداری است و در نتیجه، اغفال و فریبی هم نسبت به کارکنان سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد؛ اما مواردی را می‌توان ذکر کرد که به‌رغم این که اغفال و فریبی نسبت به کارمند یا کارمندان سازمان تأمین اجتماعی صورت نمی‌گیرد؛ ولی کماکان مورد مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است؛ چراکه ممکن است کارمند مربوطه با اطلاع از وضعیت اقتصادی فلان شخص، هنگامی که همکار وی یعنی بازرس سازمان برخلاف واقع نام وی را در گزارش خود به‌عنوان کارگر کارگاهی معرفی کرده است، سکوت اختیار کند و براساس حس ترحم خدمات و مزایا را در اختیار شخص مذکور قرار دهد. درحالی که همچنان جرم موضوع ماده ۹۷ محقق شده است» (مرادی و عرب، ۱۳۹۱: ۲۸۰). بدین ترتیب، نویسنده عبارت مذکور، وجود مصداق خارجی در خصوص برقراری من غیر حق مستمری را دلیل لازم نبودن فریب سازمان اعلام کرده است.

برخی دیگر نیز با استدلالی مشابه بیان داشته‌اند: «آنچه در احراز جرم موضوع ماده ۹۷ اهمیت دارد، استناد به گواهی‌های خلاف واقع و یا توسل به وسایل متقلبانه است و ممکن است کارمند یا نماینده سازمان با اسناد و وسایل مذکور اغفال شده یا نشده باشد و با علم به تقلبی و خلاف واقع بودن اسناد... ارائه‌دهنده را از خدمات سازمان بهره‌مند سازد» (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳۱)؛ لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد هر دو دیدگاه مذکور وجود مصداق خارجی را مبنای استدلال خود قرار داده‌اند. در رد استدلال به‌کاررفته در دیدگاه‌های فوق می‌توان گفت:

اولاً، بدیهی است صرف وجود مصداق و امکان تحقق یک عمل در خارج را نمی‌توان دلیل شمول یک ماده بر آن دانست؛ زیرا در کلاهبرداری نیز علی‌رغم استفاده مرتکب از وسایل متقلبانه، ممکن است شخص با علم به متقلبانه بودن رفتار کلاهبردار فریب نخورد و به دلایل دیگری (برای مثال، از روی ترحم) مال خود را در اختیار وی قرار دهد که در این صورت، هرچند چنین مصداقی قابل تحقق

است؛ ولی سبب نمی‌شود که ما از چارچوب ماده خارج شویم و با توسیع بلاوجه ماده و خلاف اصول حقوقی (اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل لزوم تفسیر به نفع متهم)، چنین عملی را کلاه برداری بدانیم. در صورتی که با استدلال به کاررفته در دیدگاه‌های بالا چنین عملی را باید کلاه برداری دانست. ثانیاً، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق یک جرم توسط خود مقنن مشخص شده است و تأکید ماده ۹۷ ق.ت.ا بر این که شخص با استناد و توسل به وسایل تقلبی مال سازمان را به نفع خود و یا دیگری ببرد مبین این موضوع است که باید بین برده شدن مال سازمان و رفتارهای متقلبانه مرتکب رابطه علیت مؤثر باشد؛ به عبارتی، ظاهر ماده مذکور دلالت بر این موضوع دارد که باید تقلب مرتکب در برده شدن مال سازمان نقش داشته باشد، وگرنه اگر علت برده شدن نه تقلب مرتکب، بلکه ترحم یا بی‌اهمیتی نماینده سازمان باشد، مورد از شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا خارج است؛ زیرا در این صورت، مال از طریق رفتارهای محیلانه مرتکب برده نشده است؛ بلکه اگر تقلبی هم به کار نمی‌برد، احتمالاً به همان نتیجه منجر می‌شد. در فرض آگاهی نماینده سازمان به متقلبانه بودن وسایل استنادی، برقراری مستمری بر مبنای قاعده فقهی «اقدام» غرور و فریب تلقی نمی‌گردد (توجهی، عبدالعلی و مهران حیدری، ۱۳۸۶: ۹۳).

ثالثاً، در تطبیق نصوص ماهوی کیفری بر کج‌روی‌های اجتماعی، هرگاه به لحاظ ابهام موجود در متن ماده (عبارات ماده نه نص باشد و نه ظاهر^۱)، در تطبیق رفتار با ماده مذکور تردید باشد، در مقام تفسیر باید آن را به نفع متهم تفسیر نمود، نه آن گونه که برخی از نویسندگان در توجیه دیدگاه توسعه‌گرایانه خود در خصوص ماده ۹۷ ق.ت.ا نوشته‌اند که «موضوع فوق از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که امکان سوءاستفاده افراد را تا حدود زیادی از بین خواهد برد و در بسیاری مواقع شخص متهم نمی‌تواند به اعتبار اطلاع کارمند سازمان از خلاف واقع بودن سند، خود را از مسئولیت مجرمانه حاصل شده از ماده ۹۷ مبری نماید» (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳۲). البته نویسندگان مذکور در بخش دیگری از اثر خود در رد شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا بر ترک فعل، با این عبارت که «استفاده از مزایا در نتیجه استناد به گواهی خلاف واقع و یا توسل به وسایل متقلبانه نبوده است»، بر لزوم وجود رابطه علیت بین رفتار متقلبانه و استفاده از مزایای سازمان تأکید نموده‌اند (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳۲).

۱- نص عبارت است از کلامی که صریح در مطلوب است و یک درصد هم احتمال خلاف نمی‌دهد؛ مانند «ان الله علی کل شیء قدیر»، «قل هو الله احد»، ولی ظاهر عبارت است از کلامی که ظهور در مطلبی دارد، ولی احتمال داده می‌شود که گوینده به کمک نصب قرینه، خلاف این ظاهر را اراده کرده باشد (محمدی، ۱۳۷۵: ش ۷۷/۱). در واقع، هرگاه لفظی دو معنا را افاده کند و دو احتمال در آن داده شود؛ یکی راجح و دیگری مرجوح، احتمال راجح را ظاهر می‌گویند (کریمی، ۱۳۷۵: ۷۸). بنابراین، دلالت نص بر معنا پرنسب‌تر و قوی‌تر از ظاهر است و هیچ‌گونه تردیدی را باقی نمی‌گذارد و ظاهر چهره‌ای کم‌رنگ است و انسان را از تردید و احتمال خلاف، خارج نمی‌سازد (همان، ۸۷)، (برای تفصیل بیشتر ر.ک: خالد رمضان، معجم اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۷۱ و مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، ج ۱، ص ۶۷۵).

بند سوم: نتیجه

نص ماده ۹۷ ق.ت.ا با این عبارت که «...از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا شخص ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد...» دلالت بر لزوم استفاده شدن از مزایای سازمان در نتیجه رفتارهای متقلبانه مرتکب دارد. لذا جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت.ا جرمی مقید است و تا زمانی که مستمری برقرار نشده باشد، مرتکب هنوز در مرحله شروع به جرم قرار دارد. با توجه به متن ماده، هرگاه مرتکب با رفتار متقلبانه خود موجب برقراری به نفع خود یا هرکس دیگری گردد، مشمول ماده مذکور است؛ بنابراین، انتفاع شخصی مرتکب ضرورتی ندارد. با توجه به این که قید «استفاده کردن» دلالت بر بهره‌مندی مرتکب و نتیجه‌بخش بودن رفتارهای محیلانه وی دارد، تا زمانی که مزایای مورد نظر ماده ۹۷ ق.ت.ا، مانند مستمری‌های گوناگون سازمان نسبت به مرتکب یا شخص مورد نظر وی برقرار نشده باشد، جرم تمام شده محسوب نمی‌شود و همان‌گونه که ذکر شد، تا قبل از برقراری، مرتکب در مرحله شروع به جرم قرار دارد.

لازم به ذکر است همان‌گونه که در مباحث قبلی ذکر شد، باید میان رفتار فیزیکی (یعنی جزء اول از رکن مادی جرم) و نتیجه مجرمانه رابطه علیت مؤثر باشد؛ به عبارتی توسل به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع و یا عناوین و وسایل تقلبی منجر به دریافت مستمری من غیر حق شده باشد؛ لذا در صورتی که علی‌رغم توسل مرتکب به وسایل تقلبی، کارمند سازمان به دلایلی دیگر اقدام به برقراری مستمری نماید؛ به گونه‌ای که اگر رفتار متقلبانه مرتکب نیز نبود به همان نتیجه منجر می‌شد مورد از شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا خارج است. هرگاه مرتکب به وسایل تقلبی متوسل شود؛ اما به دلیل کشف قضیه ناکام بماند، مرتکب شروع به جرم دریافت مستمری من غیر حق شده است که با توجه به ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی فاقد مجازات است؛ زیرا مطابق ماده مذکور جرائم مستوجب جزای نقدی و همچنین، حبس درجه ۶ تا ۸ فاقد شروع به جرم هستند. البته اگر نفس عمل انجام‌شده جرم باشد، به مجازات همان جرم محکوم خواهد شد، مانند استفاده از سند مجعول.

رکن روانی

رکن روانی جرم دریافت مستمری من غیر با توجه به عبارات ماده ۹۷ ق.ت.ا از جمله «هرکس با استناد...» مبین عمدی بودن جرم مذکور است. اصولاً، اکثریت قاطع جرائم در حقوق کیفری، عمدی می‌باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۹۶) و سوءنیت شرط لازم جهت تحقق جرائم است و جرائم مادی صرف به چند مورد خاص و مشخص محدود می‌شوند، مانند صدور چک پرداخت‌نشده. برای تحقق جرم دریافت مستمری من غیر حق مطابق ماده ۹۷ ق.ت.ا مرتکب علاوه بر سوءنیت عام باید دارای سوءنیت خاص نیز باشد (نعیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳۳). منظور از سوءنیت عام، اراده خودآگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه و در اینجا عبارت است از قصد استفاده از وسایل تقلبی (عمد در فعل)

است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵: ۹۶). لذا شخصی که به دنبال برقراری من غیر حق مستمری است و بدین جهت گواهی خلاف واقع و یا وسیله متقلبانه‌ای را ارائه می‌دهد، باید از خلاف واقع بودن گواهی یا متقلبانه بودن رفتارش آگاه باشد. بر همین اساس، هرگاه فردی تقاضای بررسی مشاغل خود در کمیته استانی مشاغل سخت و زیان‌آور را نموده باشد و مشاغل وی رد گردد، در صورتی که فرزند بیمه شده قبل از مطلع شدن پدر خود با جعل مهر کمیته استانی مشاغل وی را تأیید شده قلمداد کند یا با رشوه دادن بتواند تأییدیه کمیته استانی را به صورت خلاف واقع اخذ نماید، هرگاه بیمه شده که از تقلب به کاررفته ناآگاه است رأی مجعول یا خلاف واقع کمیته استانی را به سازمان ارائه دهد، به دلیل فقدان سوءنیت عام، رفتار وی فاقد وصف کیفری است.

در خصوص جزء دوم رکن روانی، یعنی سوءنیت خاص نیز باید گفت که سوءنیت خاص به رکن نتیجه در عنصر مادی برمی‌گردد؛ لذا در اینجا سوءنیت خاص عبارت است از قصد استفاده کردن از مزایای سازمان به نفع خود یا دیگری. لذا هرگاه قصد خاص مرتکب از رفتارهای محیلانه استفاده بردن از مزایای سازمان نباشد، مورد از شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا خارج است.

در مواردی نیز که دریافت من غیر حق مستمری مشمول عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع می‌گردد، شخص باید علاوه بر سوءنیت عام که در اینجا به صورت آگاهی شخص به عدم استحقاق خود و تلاش وی جهت مستحق قلمداد نمودن خود (معمولاً با دروغ‌گویی و دروغ نویسی) نمود پیدا می‌کند، دارای سوءنیت خاص بهره‌مندی من غیر حق از مستمری نیز باشد.

در پایان لازم به ذکر است هرگاه تلاش عامدانه مرتکب به نتیجه‌ای غیر از آنچه مقصود وی است منتهی شود، مانع شمول مواد ۹۷ ق.ت.ا و ۲ قانون تشدید بر وی نمی‌گردد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵: ۹۸)؛ از این رو، هرگاه بیمه شده‌ای با ارائه گواهی خلاف واقع طبیب، به دنبال اخذ از کارافتادگی کلی و برقراری مستمری باشد، اما کمیسیون بر مبنای گواهی ارائه شده از کارافتادگی وی را کمتر از ۳۳٪ اعلام کند و بدین ترتیب، مرتکب موفق به دریافت غرامت نقص عضو گردد، بر شمول ماده ۹۷ ق.ت.ا. بر وی تردیدی نیست؛ زیرا مهم، استفاده شدن از مزایای سازمان با استناد به رفتار متقلبانه وی است.

نتیجه‌گیری

در حقوق تأمین اجتماعی، دریافت مستمری من غیر حق به سه صورت ممکن است تحقق یابد:

۱. دریافت از طریق وسایل متقلبانه و گواهی خلاف واقع؛

۲. دریافت از طریق دروغ‌گویی و دروغ نویسی؛

۳. دریافت از طریق سکوت و ترک فعل.

حالت اول مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی خواهد بود؛ حالت دوم مشمول ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری می‌گردد و حالت سوم نیز، اساساً فاقد وصف کیفری است. ماده ۹۷ ق.ت.ا با وجود قرابت نزدیکی که با کلاهبرداری دارد همچون یک عنوان مجرمانه خاص استقلال خود را در کنار کلاهبرداری حفظ نموده است. در رکن مادی جرم دریافت مستمری من غیر حق بیان شد که اگر جرم مذکور از طریق توسل به رفتارهای متقلبانه ارتکاب یابد ارکان آن براساس ماده ۹۷ ق.ت.ا تحلیل می‌گردد و ارتکاب یافتن از طریق فعل، متقلبانه بودن رفتار مرتکب، لزوم فریب خوردن عملی سازمان، لزوم رابطه علیت مؤثر میان دو جزء اخیر و برده شدن مال سازمان (به عنوان رکن نتیجه) به عنوان رکن مادی جرم دریافت مستمری من غیر حق محسوب می‌گردند. اما اگر جرم مذکور بدون توسل به هرگونه وسیله تقلبی و صرفاً با فعل دروغ واقع شده باشد، مشمول ماده ۲ قانون تشدید محسوب می‌شود و لزوم ارتکاب از طریق فعل و منتج شدن به نتیجه نیز به عنوان رکن مادی آن محسوب می‌گردند. در خصوص رکن روانی جرم مذکور نیز می‌توان گفت عمل اشاره شده، چه مشمول ماده ۹۷ ق.ت.ا گردد و چه مشمول ماده ۲ قانون تشدید، علاوه بر سوءنیت عام (عمد در فعل) نیازمند سوءنیت خاص (برده شدن مال) نیز هست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- آشوری، محمد و مهدی صبوری پور (۱۳۹۴) «مقایسه اثر شدت و قطعیت حبس بر بازدارندگی آن»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، شماره ۲ و ۳.
- ایزانلو، محسن (۱۳۸۶) «بررسی انتقادی مستمری بازماندگان در حقوق موضوعه ایران»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال نهم، شماره سی‌ام.
- بادینی، حسن (زمستان ۱۳۸۷) «جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی ایران»، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۸، شماره ۴.
- باقرزادگان، امیر (بهار ۱۳۹۷) «بررسی تفاسیر مختلف از جرم تحصیل مال از طریق نامشروع»، *دانش حقوق و مالیه*، سال اول، شماره ۳.
- باقرزادگان، امیر و محمد میرزایی (تابستان ۱۳۹۲) «اهداف و قلمرو جرم انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع»، *فصلنامه کارگاه*، دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۳.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴) *بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم*، قم، معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم، چاپ اول.
- توجهی، عبدالعلی و مهران حیدری (تابستان ۱۳۸۶) «ضوابط حاکم بر کلاه‌برداری در صنعت بیمه ایران»، *فصلنامه صنعت بیمه*، سال بیست و دوم، شماره ۲.
- «جزوه آشنایی با تعهدات بلندمدت سازمان، اداره کل فنی امور مستمری‌ها»، زمستان ۱۳۹۵، مندرج در سایت سازمان تأمین اجتماعی به نشانی: <https://tamin.ir/>
- جمعی از محققان (۱۳۸۹) *فرهنگ‌نامه اصول فقه* (به کوشش جمعی از محققان)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مرکز اطلاعات و منابع اسلامی)، چاپ اول.
- حسینی، علی و عباسعلی رضایی (زمستان ۱۳۹۷) «کشف تقلب و راهکارهای مقابله با آن در سازمان‌های بیمه‌ای با استفاده از داده‌کاوی (مطالعه موردی: سازمان تأمین اجتماعی)»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال چهاردهم، شماره اول.
- خالد رمضان، حسن (۱۳۸۹) *معجم اصول الفقه*، قاهره - مصر، مطبعة المدنی، چاپ اول.
- شاکری، ابوالحسن و امیر البوعلی (بهار ۱۳۹۶) «تحلیلی نوین از جرم تحصیل مال از طریق نامشروع در حقوق ایران»، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال سیزدهم، شماره ۴۷.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵) *جرائم علیه اموال و ملکیت*، تهران، انتشارات ویستار، چاپ اول.
- عباسی، محمود (پاییز ۱۳۸۶) «مسئولیت ناشی از صدور گواهی خلاف واقع پزشکی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال اول، شماره دوم.
- عرب، مرتضی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱) «گواهی خلاف واقع و جعل در اسناد پزشکی»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره ۳۸ و ۳۹.
- ۷۹ - فروتن، مصطفی و حسین اکبری (زمستان ۱۳۹۷) «تحصیل مال از طریق نامشروع از منظر حقوق جزای اختصاصی و حقوق جزای عمومی»، *پژوهشنامه حقوق فارس*، سال اول، شماره اول.
- فرح‌بخش، مجتبی (تابستان ۱۳۸۸) «تأملی بر رکن مادی کلاه‌برداری و تحصیل مال از طریق نامشروع»، *فصلنامه حقوق*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲.
- فیتز‌تریپک، تونی (۱۳۸۱) *نظریه نگاه* «سیاست اجتماعی چیست؟»، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، موسسه عالی

- پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
- قیاسی، جلال‌الدین و احسان یاورى (پاییز و زمستان ۱۳۹۴) «حکم جرائم مرتبط در جرائم تعزیری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دانشگاه گیلان، سال ششم، شماره دوم.
 - کریمی، حسین (۱۳۷۵) اصل‌الاصول، قم، نشر اشراق، چاپ اول.
 - گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳) حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه تهران، چاپ دهم.
 - محمدی، علی (۱۳۷۵) شرح اصول فقه، قم، نشر دارالفکر، چاپ چهارم.
 - مرادی، سیرالله و مرتضی عرب (پاییز ۱۳۹۱) «بررسی اجمالی ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی (استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق)» فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳.
 - میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۵) جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ پانزدهم.
 - نصیری، مرتضی (۱۳۸۲) مبانی حقوقی تأمین اجتماعی در ایران، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
 - نعیمی، عمران و دیگران (۱۳۸۹) قانون تأمین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات جنگل، چاپ اول.

